

تندیس‌های باشکوه

شیوه واقع‌گرای سوسیالیستی در خدمت مضامین نوین

javadi1336@gmail.com

شهره جوادی / دکترای تاریخ هنر / استادیار دانشگاه تهران

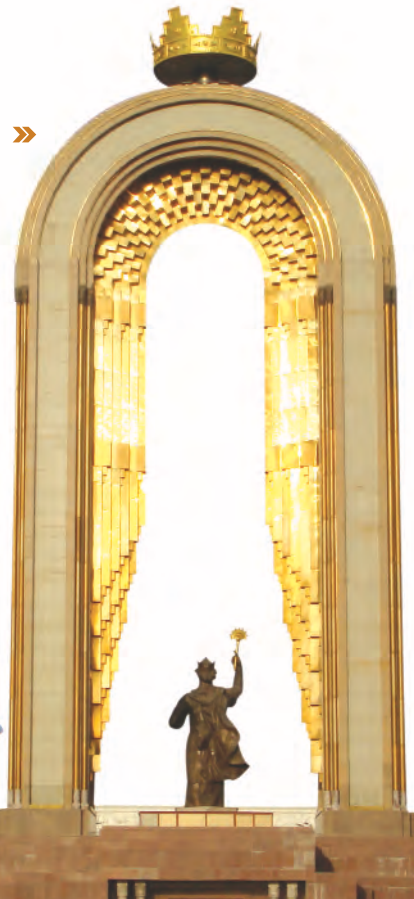


یکی از جلوه‌های نماد شهری در جمهوری‌های آسیای مرکزی که توجه هربیننده و به‌ویژه هر تازه‌واردی را به خود جلب می‌کند، تندیس‌های عظیم و پرابهتی است که در خیابان‌ها پارک‌ها، میادین و مراکز تجمع به چشم می‌خورد. این مجسمه‌ها که از سنگ، فلز و دیگر مصالح با اندازه‌هایی بزرگ و گاه غول‌آسا ظاهر شده‌اند، ناخودآگاه بیننده را به تحسین واداشته و یا مهیوت می‌سازد. نظام کمونیستی با تفکر اقتدارگرا و سلطه‌جو در عرصه سیاست، فرهنگ و هنر به گونه‌ای عمل کرده که معماری، شهرسازی و هنرهای تجسمی به‌ویژه نقاشی و مجسمه‌سازی را بازتاب اندیشه‌های مارکسیسم-لنینیسم شوروی قرار داده و آن چنان سلطه و اقتدار حکومت را تثبیت نموده که عواطف، سلیقه‌ها، باورها، رسوم و خواسته‌های قومی، فرهنگی و شخصی مردم را نیز سرکوب کرده است. مجسمه‌سازی به عنوان یکی از نمادهای مهم شهری به گونه‌ای ایدئولوژیک و نمادین در شهرهای آسیای میانه جلوه‌های ویژه‌ای را به نمایش گذاشته است. در پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ در این جمهوری‌ها مانند دوشنبه، عشق‌آباد، تاشکند، شهرسبز، ترمذ و ... علی‌رغم معماری و شهرسازی ساده

و فقیرانه مردم، در نقاط مرکزی و بافت‌های حکومتی و دولتی شاهد خیابان‌های عریض و طویل، میدان‌های وسیع و پارک‌های بزرگ و زیبایی هستیم که تندیس‌هایی با ابعاد بسیار عظیم و در نهایت شکوه و اقتدار، زینت‌بخش این مکان‌ها هستند. این مجسمه‌ها چهره‌هایی از شخصیت‌های مهم فکری و سیاسی مانند لنین، استالین، مارکس، ادبا، شعرا و بزرگان سیاسی و دولتمردان معاصر بوده‌اند که پس از فروپاشی نظام کمونیستی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی تبدیل به چهره‌های ادبی، علمی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و همچنین دولتمردان فعلی تاجیک، ازبک، ترکمن و ایرانی شده‌اند. چهره‌هایی چون ابن سینا، صدرالدین عینی، کمال خجندی، رودکی، امیراسماعیل سامانی، امیر تیمور و ... چنان با ابهت و عظمت در بهترین نقاط شهرها گذاشته شده که حکایت از پیشینه‌های حماسی و سربلند دارند.

این تندیس‌ها نمونه‌هایی از هنر واقع‌گرای اجتماعی (social realism) است. این شیوه هنری در انقلاب روسیه شکل گرفت که هنر، سفارشی و در خدمت تبلیغ و تثبیت انقلاب و حکومت سوسیالیستی بود. در این دوران ساخت مجسمه‌هایی از مردم انقلابی، سران و رهبران سیاسی و فکری باشکوه و ابهت بسیار که تأکید بر تسلیم‌ناپذیری و مصمم بودن آنهاست، رواج پیدا کرد. اما پس از استقلال، چندی نگذشت که دولت‌های جدید و مردم زخم‌خورده و عاصی از دیکتاتوری و فاشیسم شوروی صحنه را تغییر داده و برای قدرت‌نمایی عظمت ملی و احیای فرهنگ غنی و هزارساله، دست به دگرگونی‌های محتوایی در هنر تندیس‌گری زدند. به گونه‌ای که سبک و سیاق مجسمه‌سازی «سوسیال رئالیسم» را با تمامی زیبایی‌شناسی اقتدارگرا و پرابهت حفظ کرده و تنها شخصیت‌ها را تغییر دادند. در حال حاضر آنچه در این جمهوری‌ها خودنمایی می‌کند احیای آثار معماری و تندیس‌های مذکور است، در حالی که همچنان در گوشه و کنار شهرها تندیس‌هایی از بزرگان علم و ادب روس دیده می‌شود.

» هیکل «امیراسماعیل» در شهر دوشنبه با تاج کنگره‌دار که شبیه تاج شاهان ساسانی است، پیشینه‌ای از شکوه ایران قدیم را به رخ می‌کشد و این در حالی است که با دست راستش نشانی را نیز بالا گرفته است. این نشان شبیه به هلال ماهی است که هفت ستاره طلایی گرداگرد آن می‌درخشند. هفت ستاره طلایی بر پرچم کشور تاجیکستان نیز دیده می‌شود.



میدان ورودی ارگ شهر باستانی «خیوه» در ازبکستان، مزین به هیکل «خوارزمی» منجم و ریاضیدان قرن هشتم هجری است که متفکرانه بر سکویی نشسته است. چنان‌که پیش‌تر تندیس‌هایی بدین گونه از ادیبان، فلاسفه و سیاستمداران روس برای تبلیغ نظام کمونیستی در اماکن مختلف وجود داشته است.



» هیکل «واسع» قهرمان ملی تاجیک، در حالی که از نظر چهره شبیه‌سازی شده است. بدن و لباس او با شکل هندسی و ساده اما عظیم و پرابهت به نمایش درآمده است.



«مادر» با زن مبارز و رنج‌کشیده اما مقاوم و راست قامت همچون کوهی استوار در طبیعت زیبای این خطه خودنمایی می‌کند.



تندیس‌ها بیشتر به شیوه رئالیستی و بعضاً در قالب اکسپرسیونیستی اجرا شده است مانند تصاویر نمونه‌های بالا که از سطوح ساده سنگی استفاده شده است.



مجسمه‌های مشاهیر تاجیکستان از سمت راست: ماکسیم گورکی، صدرالدین عینی، حافظ شیرازی، سعدی شیرازی، ابوالقاسم فردوسی، ابوعبدالله رودکی، ابن سینا، عمر خیام، عبدالرحمان جامی، میرزا تورسن زاده، ابوالقاسم لاهوتی



چهره متفکر و جدی «غفورفا» در قالب نیم تنه‌ای سنگی بر مزار این مؤلف و مورخ بزرگ دیده می‌شود. به کارگیری این شیوه از تندیس‌گری سنگی از شخصیت‌ها با شبیه‌سازی دقیق برای سنگ مزارها روشی معمول در هنر سوسیالیستی است. همچنین در گورستان‌های اروپا نیز این روش معمول است.

» هیکل «امیر تیمور» با تاج و شمشیر و شئل و با چهره‌ای آرام و متبسم اما مصمم و بسیار جدی و فاتحانه به دوردست می‌نگرد. چهره‌ای که از این فرمانروای مقتدر در تاریخ امروز تاجیکستان دیده می‌شود کاملاً متفاوت با تصویری است که در ایران از گذشته تاکنون شاهد آن بوده‌ایم. مرسوم است که عروس و داماد برای ادای احترام دسته‌گلی به پیشگاه هیکل امیر آورده و شاه محبوب و حامی خویش را می‌ستایند. میدان مرکزی شهر سبزو، مقابل آق‌سرای، ازبکستان



هیکل «رودکی» شاعر بزرگ عصر سامانی در میان قایب گنبدی شکل با درخشش خورشید و ماه و ستارگان. این تندیس در مرکز دید و مسیر اصلی مردم در پارک رودکی شهر دوشنبه خودنمایی می‌کند.



دیدار «ماکسیم گورکی» و «صدرالدین عینی»، گورکی نویسنده مشهور روسی و عینی ادیب زبردست که آثار او در کتب درسی، تدریس می‌شود؛ امروز جوانان و نوجوانان تاجیک اشعار او را از بر با لهجه شیرین تاجیکی می‌خوانند.



«تندیس «مادر و فرزند» به شیوه رئالیستی که در مجسمه‌سازی دوران انقلاب سوسیالیستی در شوروی معمول بوده است. مادر و فرزند معمولاً نماد باروری، پاک، مهر و عطف در هر سرزمین، آب و خاک است.

» هیکل «حکیم ابوالقاسم فردوسی» که در بسیاری از نقاط کشور تاجیکستان دیده می‌شود. بزرگداشت و تجلیل این فرزانه را در قالب تندیس‌های باشکوه شاهد هستیم که جایگزین چهره‌های مشهور روزگار حکومت سوسیالیستی شده است.

